

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش گناه در تاخیر ظهور موعود در ادیان ابراهیمی

نگارنده:

محسن شریعتی

یهود

به اعتقاد یهود، گناه، باعث هلاکت و مرگ انسان می‌شود؛ زیرا نشانه مخالفت و عصیان در مقابل آنچه خواسته خداوند است در تورات است^۱ یهودیان معتقدند هر بار که خداوند را اطاعت نمی‌کنند و از مسیر حق خارج می‌شوند، خداوند نیز آنان را دچار بدبختی و آوارگی می‌کند و باید توبه کنند تا مورد بخشش قرار گیرند و رفتار خدا با بندگان نیز عادلانه است و بر اساس عدالت، پاداش و جزا تحقق می‌یابد

در تورات غالباً سعادت‌مندی، مربوط به این جهان است و نجات و سعادت‌مندی بنی اسرائیل، حضور در ارض مقدس است که با اطاعت خدا به دست می‌آید اما در تلمود به صراحت بیان شده است که انسان پاک است و گناه سرنوشت انسان را تغییر می‌دهد^۲ و از آنها خواسته که مطابق خواست او عمل کنند و به فقر و بی‌عدالتی خاتمه دهند^۳. اعتقاد مسلط بر ربّانیون این بود که اگر بنی اسرائیل حتی برای یک روز از گناهان خود توبه کنند، آمدن او جلو خواهد افتاد. علت آزمون بنی اسرائیل این است که آن امتحان یا به دلیل گناه قوم و یا برای آزمایش استحکام ایمان ایشان است^۴.

در برابر دیدگاهی که بر اساس آن خداوند زمان مشخصی را برای آغاز دوران ماشیح در نظر گرفته است، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد؛ بر اساس این دیدگاه زمان ظهور ماشیح از قبل معین نشده است؛ بلکه بنا بر رفتار و کردار مردم تغییر خواهد کرد. از این کلام که «من خداوند در وقت خودش آن را تسریع خواهم کرد»^۵ این گونه استنباط شده است که «اگر (ملت اسرائیل) استحقاق آن را داشته باشد، نجات ایشان را تسریع خواهم کرد و اگر استحقاق نداشته باشد، در وقت خودش (آنان را نجات خواهم داد)

در تلمود می‌خوانیم: «توبه کاری عظیم است؛ زیرا که نجات را نزدیک می‌کند» و «ظهور او تنها به توبه مردم و کارهای نیکی که انجام می‌دهند، بستگی دارد» و «اگر ملت اسرائیل فقط یک روز توبه کند، بلافاصله (ماشیح) فرزند داوود خواهد آمد. اگر ملت اسرائیل فقط

۱ - محمدی، محمد حسین، آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، ص ۲۱۸

۲ - طاهری، محمد حسین، یهودیت، قم، مرکز بین‌المللی المصطفی، چ اول، ۱۳۹۰ ه ش، ج ۱، ص ۱۷۴

۳ - فریامنش، مسعود گناه و نجات در ادیان جهان، مجله کتاب ماه دین، تیر ۱۳۸۸، شماره ۱۴۱، صفحه ۴۴

۴ - گرینستون، جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان، ج ۱، چ دوم، ۱۳۸۷ ه ش

۵ - اشعیا ۶:۲۲

یک (شبان‌روز) شب‌ه را به طور صحیح و کامل نگه دارد، بی‌درنگ فرزند داوود خواهد آمد»

مسیحیت

دین مسیحیت به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی دو نوع نگرش به موعود خود دارد در یک نگاه موعودشان یهودی- مسیحی است که نقش میانجی دارد که کارکرد آخرت شناسانه ندارد و برای کفاره گناه آدم و نسل او قربانی شد تا همه بشر به نجات برسد که گناه در این نگرش نقشی ندارد و چون اصلا موعود و انتظاری نیست تا گناه بشر نقشی داشته باشد.

در نگاهی دیگر موعود مسیحی است و کارکرد آخرتی دارد و منتظر ظهورش هستند تا ملکوت آسمان را اجرا کند ، این نوع نگرش به دو مبنای عقاید پولسی و عقاید پطرسی تقسیم می‌شود.

۱- عقاید پولسی و پروتستان‌ها

پولس حواری را غالباً دومین موسس مسیحیت لقب داده‌اند^۱، یکی از مهمترین تعالیم پولس این است که انسان تنها با ایمان به مسیح رستگار می‌شود ، نه با عمل به شریعت این گفته ها در رساله های پولس ، به ویژه غلاطیان و رومیان ، بارها تکرار شده است^۲ امروزه پروتستانها به پیروی از پولس رسول و نامه‌های او برای به دست آوردن نجات نیازی به عمل نمی‌بینند و معتقدند همین که شخص ایمان آورد اهل نجات می‌گردد^۳ گفتند، به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت^۴ بر مبنای عقاید پولسی صرف ایمان به مسیح (مسیحی شدن) موجب نجات است ، وعدم ایمان به مسیح به نحوی گناه شمرده می‌شود ، در این نگرش موعود نقش اجتماعی

۱ - رسول زاده، عباس ، آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت ، مجله معرفت ادیان ، شماره ۲ ، صفحه ۶۷

۲ - سلیمانی اردستانی ، عبد الرحیم ، کتاب مقدس ، ص ۲۷۳

۳ - همان ، ص ۲۲۹

۴ - آزادیان ، مصطفی ، آموزه نجات ، ص ۸۸

۵ - اعمال ۱۶ : ۳۱

ندارد و بیشتر فردی است؛ با این بیان آیا عدم ایمان به مسیح موجب تاخیر در ظهور او می‌گردد؟ و آیا بین ایمان آوردندگان به مسیح و تعجیل ظهور مسیح ارتباطی است؟ این سوالی است که قابل اثبات نیست چون عدم ایمان به مسیح موجب می‌گردد که آن فرد به نجات نرسد و فقط مانع نجات خود گشته و دیگر در تاخیر موعود و ایمانش به مسیح در تقدم ظهور، از متون مسیحی قابل اثبات نیست، هرچند این ادعا که ایمان همه مردم دنیا به مسیح در تسریع ظهور مسیح اثر خواهد داشت؛ قابل بررسی و مورد اثبات است.

۲- عقاید پطرسی و کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها

در مقابل دیدگاه پولس، دیدگاه دیگری وجود دارد که به یعقوب و پطرس حواری منسوب است. آنها، برای ایمان تنها ارزشی قائل نبوده و برای اینکه یک فرد مسیحی به نجات نائل آید، عمل صالح و دوری از گناهان را در کنار ایمان به مسیح لازم و شرط می‌دانند. شاید بتوان گفت: تنها نوشته‌ای از عهد جدید که به صراحت تعالیم پولس را رد می‌کند، رساله یعقوب است

کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها (بر خلاف عقاید پولس و پروتستانها) معتقدند ایمان بدون عمل هیچ نقشی در نجات ندارد و معتقدند که سعادت ابدی به دو شرط تحقق می‌یابد: یکی فیض خدا که در ایمان متبلور است و دیگری اعمال نیک.

موعود در این دیدگاه موعودی اجتماعی است تا فردی و یک مسیحی وظیفه دارد در کنار رشد و شناخت بیش از پیش خود نسبت به موعود^۱، زمینه‌های ظهور موعود را فراهم کند^۲. او در مقابل مردم اجتماع مسئول است و باید به آنها محبت کند^۳ و حتی به تعلیم اعمال صالحه به آنان بپردازد^۴.

۱ - رساله دوم پطرس ۳: ۱۸ (در قدرت روحانی رشد کنید و در شناخت خداوند و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح ترقی نمایید، که هر چه جلال و شکوه و عزت هست، تا ابد برازنده اوست).

۲ - اعمال رسولان ۵: ۳۱ (و با قدرت خود، او را سرافراز فرمود تا پادشاه و نجات دهنده باشد)

۳ - رساله اول پطرس ۱: ۲۲ (چون نفسهای خود را به اطاعت راستی طاهر ساخته‌اید تا محبت برادرانه بی‌ریا داشته باشید، پس یکدیگر را از دل به شدت محبت بنمایید)

۴ - متی ۵: ۱۹ (پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد).

پس همه باید با ترک معاصی، خود را آماده و منتظر مسیح قرار دهند بی شک ارتکاب گناه در این نوع نگرش منجر به غافلگیری و در نتیجه جاماندن از نجات و عدم شرکت در ملکوت آسمان خواهد گردید.

مبنای عقاید پطرسی بر این اصل استوار است که همواره باید منتظر و آماده بود و به صرف ایمان نمی‌شود در صنف نجات‌یافتگان قرار گرفت بلکه در کنار ایمان به مسیح به انجام اعمال صالحه، خود و جامعه را آماده برپایی ملکوت آسمان نمود. در این نگرش برای مسیحیان در برپایی حکومت و ملکوت آسمان نقش محوری قائل بوده و سستی و گناه آنان را موجب تاخیر در ظهور دانسته و آنان را به نحوی مسئول تاخیر امروز منجی می‌داند.

۳- اسلام

از منظر اسلام آنچه باعث هلاکت انسان می‌شود، اسباب و عللی دارد که مهمترین آن، گناه است و به قولی تمام آنچه مانع نجات است، در قالب گناه می‌باشد. معنای گناه، مخالفت و نافرمانی و هتک حرمت پروردگار است! نجات در اسلام، برخلاف مسیحیت که رهایی از گناه است، خلاصی از آتش دوزخ است از واسطه هدایت الهی (هدی) می‌باشد هرچند برای غیبت امام عصر عللی ذکر شده اما یکی از مهمترین علل محروم ماندن جامعه و مردم از فیض حضور آن امام همان گناه و معصیت مردم بوده است چون گناه موجبات خشم خداوند را فراهم می‌کند و خشم خداوند موجب می‌گردد که خداوند به مجازات گناه مردم آنها را از حضور امام محروم کند

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) در این باره فرمود:

...وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيَعْمِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...؟

آگاه باشید زمین از حجت الهی خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشگی و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود حجت خود محروم می‌کند.

۱ - محمدی، محمد حسین، آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، ص ۲۴۹

۲ - فریامنش، مسعود، گناه و نجات در ادیان جهان، مجله کتاب ماه دین، تیر ۱۳۸۸، شماره ۱۴۱، صفحه ۴۴

۳ - نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱

امام جواد علیه السلام : إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جِوَارِهِمْ^۱
هنگامی که خدای تبارک و تعالی بر آفریده‌هایش خشم کند ما را از میانشان دور می‌سازد
خشم خدا به جهت هشدار و آگاه ساختن مردم است تا قدر شناس باشند علامه مجلسی
می‌فرماید: غائب شدن امام نتیجه خشم خدا بر اکثر بندگان می‌باشد^۲

امام باقر (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

...وَأَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يُخَالِفُ ذَلِكَ فِعْلُكُمْ وَ اللَّهُ مَا يَسْتَوِي اخْتِلَافُ أَصْحَابِكَ وَ لِهَذَا
أَسِرَّ عَلَى صَاحِبِكُمْ...^۳

شما مردمی هستید که با دل، ما را دوست می‌دارید؛ ولی عمل شما با این محبت، ناسازگار
است. به خدا سوگند! اختلاف اصحاب پدید نمی‌آید و به همین دلیل صاحب شما از دست
شما گرفته می‌شود....

بدین سان غیبت آخرین حجت خداوند نماد خشم خداوند بر زمینیان است و بی شک اگر
در ترک گناه و معصیت همت کنیم برخی از موانع را برطرف خواهد شد و امید است که
خداوند تفضل نموده و علل دیگر را برطرف کرده و جامعه از این موعود امم مستفیض
گردد.

۱ - کلینی، الکافی ج ۱ ص ۳۴۳

۲ - طبسی، نجم الدین، تا ظهور، ص ۱۵

۳ - حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۳۸۱